

زیر درختان زیتون

حراج تابستانی در گالری مژه

● گروه هنر: گالری «مژه»، عصر جمعه دوم شهریور میزبان حراج تابستانی عکس از ۷۸ هنرمند عکاس خواهد بود. کیویوتوری این نمایشگاه که از چهار نسل عکاسی ایران آثاری را به تماشا و فروش می‌گذارد، بر عهده بابک حقی ست و چه از نظر تکنیک و چه رویکرد موضوعی، طیف گسترده‌ای از سلايق را بازتاب می‌دهد. آثار بسیاری از عکاسان بنام ایران در این رویداد حضور دارد مانند: «عباس کیارستمی، آرمان استپانیان، شادی قدیریان، سیامک زمردی، افشین شاه‌رودی، فرشاد فرشته‌حکمت، نادر داوودی، بابک کاظمی، مجید کورنگ‌بهشتی، فرشاد فدائیان، مسعود زنده‌روح‌کرمانی، اشکان تیرداد، آرتا سمناک، سروش میلانی‌زاده، وحید تهامي، مهسا کریمی، سارا ساسانی، روشنگ صدر، امید محکمی و...».حراج تابستانی عکس پس از افتتاح در عصر دوم شهریور تا نهم شهریور در گالری مژه به نشانی سعادت‌آباد، خیابان علامه‌شمالی، خیابان هجدهم‌شرقی، پلاک ۲۷، زنگ اول همه‌روزه (غیر از شنبه) از ساعت ۱۲ الی ۲۰ و روزهای جمعه از ساعت ۱۶ الی ۲۰ دایر است.

بیمه هنرمندان سرپل ذهاب

● گروه هنر: معرفی‌نامه بیمه تأمین اجتماعی اهالی فرهنگ و هنر سرپل‌ذهاب با حضور مدیرعامل صندوق اعتباری هنر اهدا شد. در ادامه برنامه‌های دیدار و حمایت از اهالی فرهنگ، هنر و رسانه کشور، مدیرعامل صندوق اعتباری هنر به استان کرمانشاه سفر کرد. در این سفر هنرمندان این استان از خدمات صندوق اعتباری هنر بهره‌مند شدند و معرفی‌نامه بیمه‌تأمین اجتماعی ۱۶۰ نفر از هنرمندان سرپل‌ذهاب اهدا شد. سیدحسین سیدزاده در این مراسم ضمن دلجوایی از هنرمندان سرپیل ذهاب گفت: «زلزله سال گذشته حادثه بسیار تلخی برای ملت ایران بود و با توجه به گستردگی دامنه زلزله متأسفانه تاکنون پیامدهای آن گریبان‌گیر مردم این مناطق است». مدیرعامل صندوق اعتباری هنر افزود: «در سفر مدیران صندوق اعتباری هنر در فروردین سال جاری به سرپیل ذهاب از نزدیک در جریان مسائل و مشکلات هنرمندان ساکن این منطقه قرار گرفتیم و دراین‌باره اقدامات مؤثری برای حل مشکلات بیمه تأمین اجتماعی و تکمیلی، معیشتی و کمک مستموری (هنرمندان پیش‌کسوت بالای ۶۰ سال سن) با توجه به امکانات صندوق صورت گرفته است». سیدزاده با اشاره به اهمیت بهره‌مندی هنرمندان از خدمات بیمه تأمین اجتماعی گفت: «براساس وظیفه اصلی ما در حمایت از اهالی فرهنگ و هنر، بیمه پایه اهالی فرهنگ و هنر مناطق زلزله‌زده غرب کشور برای دو سال از سویی صندوق رایگان است». او تصریح کرد: «خدمات و کمک‌های صندوق اعتباری هنر به اهالی فرهنگ و هنر مناطق زلزله‌زده کرمانشاه تداوم و استمرار خواهد داشت». مدیرعامل صندوق اعتباری هنر در ادامه بیان کرد: «فصل جدیدی از ارائه خدمات به اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه آغاز شده است و ما تلاش می‌کنیم در سفرهای مستمر به اقصی نقاط کشور ضمن دیدار با اهالی فرهنگ و هنر برای همفکری و هم‌افزایی هرچه بیشتر و ارتقای کیفیت خدمات صندوق حرکت کنیم». سیدزاده ادامه داد: «صندوق اعتباری هنر در چهار بخش بیمه تأمین اجتماعی، بیمه تکمیلی، وام، تسهیلات و طرح تکریم و مستمري فعالیت دارد. تلاش کردیم در سفرهای حمایتی، اهالی فرهنگ و هنر از حقوق اولیه خود همچون پوشش بیمه‌ای بهره‌مند باشند، زیرا بیمه یک نیاز اساسی برای هنرمندان محسوب می‌شود. خوشبختانه سال گذشته با همت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۰ درصد به ظرفیت بیمه‌شدگان صندوق افزوده شد». سیدزاده اظهار کرد: «وظیفه صندوق اعتباری هنر حمایت از همه اهالی فرهنگ، هنر و رسانه است. تلاش ما استفاده از منابع در اختیار برای تکریم اعضای صندوق است. همه ما از شرایط کشور و مشکلات اقتصادی مطلع‌ایم. شرایط جدید نیازمند برنامه‌ریزی جدید است. اکنون مهم‌ترین امر پیداکردن یکدیگر و ایجاد فضای همراهی است. در این فضا و دیدار با یکدیگر می‌توانیم امور را به بهترین نحو پیش ببریم». همچنین سیدزاده در این دیدار پیش‌کسوتان عرصه فرهنگ و هنر از سرمایه‌های بی‌بدلیل اجتماعی خواند. بازدید از بنای تاریخی دبیر اعظم (هتل تاریخی بیستون) از دیگر برنامه‌های مدیرعامل صندوق اعتباری هنر در سفر به استان کرمانشاه بود.

بهناز شیربائی: «تنگه ابوقریب» به کارگردانی و نویسندگی بهرام توکلی و تهیه‌کنندگی سعید ملکان، که عنوان بهترین فیلم جشنواره فیلم فجر سال گذشته را به خود اختصاص داد، روایتی متفاوت از رشادت جوانانی است که در برهه‌های حساس تاریخ این کشور حماسه آفریدند و در این سال ها روایت آنها در «تنگه ابوقریب» بسیار کم به گوش رسیده و درباره آن صحبت شده بود. مهدی پاکدل از جمله بازیگران این فیلم سینمایی است که از زاویه‌ای دیگر فیلم را تحلیل کرد.

کاپیش از اکران فیلم، از مسئولان خواستید «تنگه ابوقریب» را ببینند که ۳۰ سال پیش چه کسانی از خاک ایران دفاع کردند، حرف شما بازتاب‌های بسیاری داشت و توجهات بسیاری را جلب کرد. نگاه شما به مفهومی که فیلم انتقال می‌دهد، چیست؟ شاید بد نباشد که از پیش از پیوستن من به این پروژه صحبت کنیم. اینکه تا پیش از این فیلم، درباره اتفاقات «تنگه ابوقریب» چیزی نمی‌دانستیم؛ اتفاقی که این‌قدر دراماتیک و جذاب است. بعد از خواندن فیلم‌نامه با توجه به شناختی که از سینمای بهرام توکلی داشتم، کنج‌کاو بودم که نتیجه کار را ببینم؛ چراکه همه ما درباره سینمای جنگ حافظه تاریخی داریم. نسلی هستیم که یا در زمان جنگ به دنیا آمدیم یا آن زمان کودک بودیم؛ جنگ را ندیدیم اما اثراتش در زندگی‌مان وجود دارد. زمانی‌که فیلم‌برداری شروع شد متوجه شدم که نگاه متفاوتی به جنگ خواهد بود. اکثرا در سینمای جنگ همیشه درگیر یک‌سری اتفاقاتی بودیم که کمتر واقعی بودند و بیشتر به سمت نوعی فانتزی می‌رفت. رزمنده‌های ما همیشه در اوج بودند و دشمن دست‌وپا بسته بود. وقتی فیلم جنگی سینمای خودمان را می‌دیدم سوآل‌ام این بود که چرا جنگ ما هشت سال طول کشید؟ یاد یکی از دیالوگ‌های فیلم «نجات سرباز رایان» افتادم که فرمانده به یکی از سربازانی که خیلی ترسیده بود، می‌گفت نگران نباش خدا با ما است و جواب سرباز جالب بود که گفت: «اگر خدا با ماست کی با آنهاست؟». بنابراین به نظر من واقعیت سینمای جنگ همیشه مخدوش بود. وقتی «تنگه ابوقریب» را در جشنواره دیدم تحت‌تاثیر قرار گرفتم. فارغ از اینکه در این فیلم بازی کردم و سهم کوچکی در فیلم داشتم، این فیلم برای من جزء پنج فیلم برتر سینمایی ایران است؛ برای من که سال‌ها است بازیگری می‌کنم، فیلم ساختن و با این حوزه آشنا هستم. این فیلم برای من فوق‌العاده جذاب است.

از سینمای بهرام توکلی گفتید و اینکه داستان «تنگه ابوقریب» برای شما هم جذاب و تازه بوده، چراکه شخصیت شما ما بازی بیرونی هم داشت. بله. در اولین جلسه‌ای که آقای توکلی را دیدم از ماجرای «تنگه ابوقریب» صحبت کردند و ایشان پیشنهاد مطالعه کتاب آقای دهقان را به من دادند که بسیار کتاب جذابی است. قطعا شیوه نگاه به آن واقع‌ه خاص، متفاوت است و من نگاه بهرام توکلی را بیشتر می‌پسندم؛ چراکه قطعا سینمایی‌تر است. البته شاید بد نباشد به این نکته اشاره کنم که اصولا از زمان نمایش فیلم در جشنواره تا به امروز متوجه نقد برخی دوستان مبنی بر اینکه این فیلم، فیلم‌نامه ندارد، نمی‌شوم؛ دوست دارم بدانم دیگر از این فیلم چه انتظاری می‌توان داشت؟ داستان از این جذاب‌تر است که یک گردان ۳۰۰ نفری راهی مقصدی می‌شوند که همه آنها می‌دانند که زنده نخواهند ماند؛ در این فیلم با ریزترین وجوه شخصیتی آدم‌های قصه آشنا می‌شویم.

البته بسیاری که به فیلم‌نامه نقد داشتند از شخصیت‌پردازی‌های تعریف می‌کردند! بله این نکته جالبی است. شخصیت‌پردازی جزء ارکان یک فیلم‌نامه است. در این فیلم شخصیت‌ها درست و کامل تعریف شدند. حتی من که در فیلم بیشتر از شش، هفت سکانس بازی ندارم، آن‌قدر درست شخصیت‌م در فیلم‌نامه تعریف شده است که حتی

اگر یک پلان از این شخصیت حذف شود، فیلم لطمه می‌خورد؛ این، یعنی فیلم چارچوب اساسی و درستی دارد. یا مثلا شخصیتی که بانیال شومون بازی می‌کند با اینکه فقط دو سکانس است اما آن‌قدر درست است که به‌خوبی به حضور نیروهای ارتشی در جنگ اشاره می‌کند. اتفاقا برخی از بازی من در این فیلم ایراد گرفته‌اند که چرا فقط داد می‌زنی؟ در صورتی‌که به سایر وجوه شخصیتی این نقش نگاه نمی‌کنند؛ او فقط برای اینکه جان گروهانش را نجات بدهد شرایطی را ایجاد می‌کند که کمتر تلفات بدهند، رفاقتش را می‌بینیم یا هوشش را در لحظات سخت درک می‌کنیم و با اینکه در چند سکانس حضور دارد، تاثیرش در همه فیلم حس می‌شود. شخصیت‌های فیلم همگی بی‌نظیر نوشته شده‌اند و تا آخرین لحظات با آنها همراه می‌شویم. در نهایت یک تعریف و فرمول برای فیلم‌نامه‌نویسی وجود دارد. همه‌جا هم تدریس می‌شود، علاوه بر اینکه همه آنها در فیلم لحاظ شده است و تماشاگر را با خودش درگیر می‌کند، به‌عنوان مخاطب تا لحظه آخر قلیت برای شخصیت‌های فیلم می‌تپد و نگران سرنویشت آنها هستی. در فیلم «تنگه ابوقریب» نگاه و رویکرد تازه‌ای به جنگ شده است. علاوه بر اینکه بهرام توکلی دانش‌آموخته ادبیات نمایشی است و به اصول فیلم‌نامه‌نویسی کاملا مسلط است و با رعایت‌کردن تمامی موارد، با خلاقیتش داستان جذاب و مسح‌می را روایت کرده است. به‌جز راهنمایی‌های آقای توکلی و فیلم‌نامه‌ای که مسیر ایفای درست نقش را برایم مشخص می‌کرد، آدم‌های زیادی را در اطرافم دیدم که جنگ را با همه وجودشان حس کردند و کاری با این موضوع ندارم که زمانه چقدر آنها را تغییر داده است، اما عکس‌هایی که از آن دوران دیده بودم و نقل‌قول‌هایی که از اقوام و دوستان درباره دوران جنگ شنیدم سعی کردم به آنها هم رجوع کنم.

از پرسش اولم فاصله گرفتیم. درباره ارجاع مسئولان برای دیدن این فیلم صحبت کردیم. بله. احساس می‌کنم هم مردم و هم مسئولان پادشاه رفته است که چه بهایی برای حفظ کشورمان داریم برای اینکه در این کشور آزادی و امنیت داشته باشیم. این فراموشی دردناکی است. بسیاری از مردم کشور ما در این هشت سال داغ‌دیده شدند و در این فیلم شاهد این ماجرا هستیم که برای اینکه یک وجب از خاکمان کم نشود چقدر خون دادیم. در این فیلم هم می‌بینیم با اینکه همه رزمنده‌ها برگه مرخصی دشتشان بود، آن‌قدر حس مسئولیت‌پذیری داشتند که تا آخرین لحظه کنار هم بودند. اما متأسفانه الان این حس مسئولیت‌پذیری در میان مسئولان ما بسیار کم‌رنگ شده است. در روزهای منتهی به اکران فیلم، شرایط کشور بحرانی شد، وضعیت ارز، ماجراهای اختلاس‌ها و فسادیی که در سیستم وجود دارد، من را آزار می‌دهد؛ اینکه چرا هیچ‌کس جوابگو نیست؟ همه دچار پوپولیسم شدند و همه با عوام‌گرایی چیزهایی

آیین نکوداشت استاد قاسم رفتنی در تالار وحدت

مؤسسه فرهنگی-هنری «اردانودیش» به مدیریت بردیا صدرنوری و مشارکت بنیاد فرهنگی- هنری رودکی در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود. در این مراسم که با حضور پیش‌کسوتان و هنرمندان برگزار می‌شود، ارکستر «مهر» به رهبری ناصر ایزدی و خوانندگی امیر رفتنی و محمد صرفه‌جو، چند آهنگ از هنرمندان سرشناس ایرانی را اجرا می‌کنند.

مؤسسه فرهنگی-هنری «اردانودیش» به مدیریت بردیا صدرنوری و مشارکت بنیاد فرهنگی- هنری رودکی در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود. در این مراسم که با حضور پیش‌کسوتان و هنرمندان برگزار می‌شود، ارکستر «مهر» به رهبری ناصر ایزدی و خوانندگی امیر رفتنی و محمد صرفه‌جو، چند آهنگ از هنرمندان سرشناس ایرانی را اجرا می‌کنند.

قابل ذکر میباشد مبلغ واریزی ۷۰۰/۰۰۰ ریالی میباشد به صورت فیش بانکی معتبر ارائه گردد و سایر موارد (اینترنتی دستگاه خود پرزاد و ...) مورد تأیید نمیباشد.
ضمنا به اطلاع می‌رساند:
الف) بازگشتایی پاکات در محل برگزاری کمیسیون مناقصات ستاد شرکت انتقال گاز خواهد بودو زمان بازگشتایی متعاقبا اعلام خواهد شد.
ب) ارایه مدارک فوق هیچگونه حقی را برای متقاضیان شرکت در مناقسه ایجاد نموده و این شرکت در رد یک و یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد.
۶- زمان/جام و مهلت دریافت اسناد مناقسه : زمان و مهلت دریافت اسناد مناقسه : از تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۲۲ تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۲۷ در قبال ارائه رسید معتبر واریز مبلغ تحویل میگردد.
د) مناقسه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی شرکت انتقال گاز به بخش آگهی – مناقسه ها، مراجعه و یا با شماره تلفن ۸۱۲۱۴۰۷۲ شرکت انتقال گاز تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی شرکت انتقال گاز ایران

هنر

گفت‌وگو با مهدی پاکدل

«تنگه ابوقریب» کامل‌ترین روایت از جنگ است



عکس: سهند تاکلی، شرق

می‌گویند که واقعیت ندارد و برای برخورد با فساد باید قاطع‌تر بود. به اندازه جوان‌هایی که آن زمان جانشان را برای آزادی کشور دادند، الان به همان تعداد تیشه برداشتن به ریشه این کشور می‌زنند؛ فقط برای اینکه کلیسم خودشان را از آب بیرون بکشند. دیگر کسی دلش برای هم‌وطنش نمی‌تپد. تلخ است که مدت‌ها است بسیاری تنها تاج مد شده‌اند که به محض وقوع فاجعه با اتفاق دردناک اجتماعی فقط به پیغامی در صفحات اجتماعی بسند می‌کنند. به‌عنوان شخصی که کار هنری و فرهنگی انجام می‌دهم، وظیفه‌ای دارم و باید کاری انجام بدهم فراتر از حضور در صفحه شخصی و همدردی‌کردن با مردمی که فعالیت‌هایم را دنبال می‌کنند. این روزها همه در شرایط سختی هستیم و تقریبا هـر روز از مردم پیغام‌های متفاوتی دریافت می‌کنم که بخش زیادی از آنها درخواست کمک می‌کنند که حقیقتا خواندن آنها برایم دردناک است. ما هم مثل همه مردم در شرایط سختی زندگی می‌کنیم. ما جزء افرادی هستیم که شغل‌مان ارتباط بسیار مستقیمی با روح و روان‌مان دارد. وقتی حال مردم خوب نیست چطور می‌توان برای آنها کار فرهنگی انجام داد؟ وقتی از لحاظ اقتصادی مردم در فشار باشند، نخستین چیزی که از سید خدایم حذف می‌شود اتفاقات فرهنگی‌کی است. بنابراین همه ما در همه اقشار به این درد مبتلا هستیم. باید کاری کنیم و من احساس کردم زمان آن است که به مسئولان برخی چیزها را گوش‌زد کنیم که ۳۰ سال پیش چه بودیم و الان چه در صورت رفتار می‌کنیم. چه اتفاق افتاده است که در سال ۹۷ مردم می‌گویند زمان جنگ بهتر بود. این موضوع من را اذیت می‌کند که چرا الان درهای از غیرت جوان‌هایی را که جانشان را برای این کشور دادند، برخی مسئولان ندارند. چرا نمی‌توانیم به اندازه آنها حق طلب و راستگو باشیم؟

کامان ایام جشنواره به این موضوع اشاره کردید که «تنگه ابوقریب» شبیه هیچ فیلمی نیست. بله همان زمان در سینما فرهنگ فیلم را با مردم دیدم؛ دختر ۱۶-۱۷ ساله‌ای بعد از دیدن فیلم با من صحبت می‌کرد و گفت که جنگ را به‌عنوان بخشی از هویتش پذیرفته است. این موضوع برایم جالب بود. قطعاً این فیلم به هدفش رسیده است، چراکه این فیلم برای همین نسل ساخته شده است، برای آن نسل گذشتی که فقط جنبه یادآوری دارد. وقتی در سالن سینما اقشار گوناگون مردم با فرهنگ‌ها و رویکردهای مختلف فیلم را می‌بینند و با دین اسامی شهدا از جا بلند می‌شوند و برای شهدا دست می‌زنند، به نظر فیلم به هدفش رسیده است.

کامان چند سال گذشته بیشتر از حضور در سینما، تئاتر را برای فعالیت انتخاب کردید، چرا؟ البته زمانی که فعالیت‌م را در تلویزیون قطع کردم، تمرکزم در سینما و تئاتر بیشتر شد. بعد از سریال «کیما» ترجیح دادم در تلویزیونی که مردم به آن بی‌اعتماد هستند، هیچ حضوری نداشته باشم؛ حتی یک مصاحبه

کوتاه، اما متأسفم که شرایط، من را به این تصمیم رساند چراکه به‌اصطلاح ما بچه‌های تلویزیون و رشدیافته این رسانه هستیم. اما واقعیت این است تا وقتی شرایط به این صورت است و تلویزیون متعلق به همه مردم نیست و برخلاف اسمش که رسانه ملی است، ترجیح می‌دهم در تلویزیون کار نکنم. در این شرایط، صحنه تئاتر بیشتر به من لذت می‌دهد چراکه یک لذت دوطرفه را تجربه می‌کنم و ارتباط نزدیک‌تری با مردم دارم. بنابر این بیشتر وقت من صرف تئاتر شد. اما در سینما هم تصمیم جدیدی گرفتم و دیگر هر فیلمی بازی نمی‌کنم، دیگر به صرف اینکه سینماست به هر پیشنهادی جواب مثبت نمی‌دهم. قطعا کارهایی را خواهم پذیرفت که بتوانم درباره آنها حرف بزنم و بتوانم از فیلم و عملکرد خودم دفاع کنم.

کارها به دشواری‌های حضور در فیلم «تنگه ابوقریب» و شرایط خاص و ویژه فیلم‌برداری و بازی در این فیلم اشاره شده است. بد نیست کمی از تجربه حضور در این فیلم صحبت کنیم.

بازی در این فیلم مثل جنگ واقعی بود. امیر جدیدی در کنفرانس خبری فیلم به نکته خوبی اشاره کرد؛ اینکه ما فیلم بازی نمی‌کردیم، می‌جنگیدیم و حس مسئولیت‌پذیری آقای ملکان برایم بسیار قابل‌توجه و ویژه بود که در کنار همه مسئولیت‌هایش نگران سلامتی بچه‌ها هم بود. شرایط سختی را پشت‌سر گذاشتیم، گرم هر کدام از بازیگران هر روز نزدیک به پنج، شش ساعت زمان می‌برد. باید از بچه‌های تیم گرم تشکر ویژه کنم، نگه‌داشتن راکوردر گرم در طول سه، چهار ماه بسیار کار سختی است. دوستان صحنه زحمت زیادی کشیدند. صحنه‌های لانگ تیک ما دو تا سه روز تمرین نیاز داشت و اگر یکی از ما سر صحنه دیالوگ را فراموش می‌کردیم، به این معنی بود که همه چیز باید به فردا موکول می‌شد و باید با دیگر جاشنی‌های فیلم، گروه فیلم‌برداری و دوستان صحنه و تولید زحمت زیادی کشیدند که باید به تک‌تک آنها خسته نباشید گفت و البته آقای ملکان و توکلی‌که به باید از تلاششان برای روایت قصه‌ای از تاریخ معاصر این کشور ستایش کرد. ریزینی و نگاه جزئی‌نگر آقای توکلی در لحظه‌لحظه فیلم جاری بود و قطعا اثری با این کیفیت از همان نگاه دقیق نشئت می‌گیرد.

کامان فیلم با استقبال خوبی همراه شده است، در دیدارهای مردمی چه واکنش‌هایی از سمت مخاطبان برای خود شما جذاب است؟

خوشبختانه هم در کامنت‌ها و هم دیدارهای حضوری با مردم و همکارانم انرژی مثبت بسیاری گرفتم. این افتخاری برای همه اهالی سینماست که چنین فیلمی ساخته شده است. فکر می‌کنم این فیلم در حقیقت ادای این نسل ما به نسل قبل است چراکه فکر می‌کنم به‌جز یکی، دو نفر از عوامل، باقی متولدان زمان جنگ هستند یا در زمان جنگ کودک بودند و این برای من جذاب است. این نگاه جوان‌هایی است که از نسل قبل خودشان روایتی تازه و بکر دارند. در این فیلم به‌جز آقایان روزبهانی و شجاعی بقیه عوامل از نسلی هستند که جنگ را ندیده‌اند. این فیلم کامل‌ترین روایت از جنگ است و امیدوارم همه مردم ایران «تنگه ابوقریب» را ببینند. این فیلم درباره انسانیت است، متأسفانه در همین سال است که سینمای ما به جایی برای سرگرمی تبدیل شده است من به این موضوع ایرادی نمی‌گیرم و در همه جای دنیا سینمای سرگرمی تعریف شده است. اما متأسفانه این فیلم‌ها تاریخ مصرف مشخص دارند و خیلی زدن را درگیر نمی‌کنند. خوشبختانه یکی از ویژگی‌های «تنگه ابوقریب» این است که مخاطب روزها با شخصیت‌هایش زندگی می‌کند. متأسفانه در شرایط اجتماعی حال حاضر بسیاری مقابل هم قرار گرفته‌اند و به دنبال این هستند تا بسیاری از چیزها را مصادره به مطلوب کنند. خوشبختانه «تنگه ابوقریب» برای کل مردم ایران است و واجب است که همه مردم ایران فیلم را ببینند.

پیکر سیدضیاءالدین دری تشییع شد

گفت: «من امروز و دیروز اندکی از خوش‌بینی خود را با مرگ انتظامی و دری از دست دادم. با همه بحران‌هایی که داشتیم، فکر می‌کردم هنوز روابط عاطفی میان ما پابرجاست، اما پنهان نمی‌کنم که خوش‌بینی خود را از دست دادم». مرلا زارعی نیز گفت: «من سید هستم، اذیتم نکند!»؛ این جمله‌ای است که بازیگرانش خیلی از او شنیده بودند. جمعه پیش، جمعه غریبی بود. هنوز در غم انتظامی بودیم که این غم صدچندان شد تا وقتی که تشییع پیکر او را در حرم شاهچراغ دیدم و دلم آرام شد». زارعی ادامه داد: «او هنرمند بود اما هنر، کسب‌وکارش نبود، بلکه عشق او بود. او تحصیل‌کرده فرنگ بود، اما عاشق کشورش بود. او فارسی می‌دانست، اما عاشق زبان فارسی بود. او عاشق حقیقت بود که این روزها کم شده است». علی دری، فرزند زنده‌یاد دری، هم گفت: «مشکل پدرم مشابه مرحوم عباس کیارستمی بوده است، اما روند درمانی پدرم بدون هیچ اشتباهی پیش رفت و من از کادر پزشکی بیمارستان شیراز تشکر می‌کنم؛ چراکه بهترین تیم درمانی در شیراز برای درمان پدرم کرد هم بودند». یارمان این مراسم به شاعرخوانی آهتایب‌ت دری برای پدرش اختصاص داشت.



گفت: «من امروز و دیروز اندکی از خوش‌بینی خود را با مرگ انتظامی و دری از دست دادم. با همه بحران‌هایی که داشتیم، فکر می‌کردم هنوز روابط عاطفی میان ما پابرجاست، اما پنهان نمی‌کنم که خوش‌بینی خود را از دست دادم». مرلا زارعی نیز گفت: «من سید هستم، اذیتم نکند!»؛ این جمله‌ای است که بازیگرانش خیلی از او شنیده بودند. جمعه پیش، جمعه غریبی بود. هنوز در غم انتظامی بودیم که این غم صدچندان شد تا وقتی که تشییع پیکر او را در حرم شاهچراغ دیدم و دلم آرام شد». زارعی ادامه داد: «او هنرمند بود اما هنر، کسب‌وکارش نبود، بلکه عشق او بود. او تحصیل‌کرده فرنگ بود، اما عاشق کشورش بود. او فارسی می‌دانست، اما عاشق زبان فارسی بود. او عاشق حقیقت بود که این روزها کم شده است». علی دری، فرزند زنده‌یاد دری، هم گفت: «مشکل پدرم مشابه مرحوم عباس کیارستمی بوده است، اما روند درمانی پدرم بدون هیچ اشتباهی پیش رفت و من از کادر پزشکی بیمارستان شیراز تشکر می‌کنم؛ چراکه بهترین تیم درمانی در شیراز برای درمان پدرم کرد هم بودند». یارمان این مراسم به شاعرخوانی آهتایب‌ت دری برای پدرش اختصاص داشت.

ادامه از صفحه اول

اسماعیل توکیست؟

اسماعیل توکیست؟ چیست؟ مقامت؟ آبرویت؟ شغل‌ت؟ پول‌ت؟ خانه‌ات؟ بغلت؟ اتوبیل‌ت؟ خانواده‌ات؟ علم‌ت؟ درجه‌ات؟ هنر‌ت؟ روحانیت‌ت؟ لباس‌ت؟ نام‌ت؟ نشانت؟ جان‌ت؟ جوانی‌ات؟ زیبایی‌ات؟ ... من چه می‌دانم؟ این را باید خود بدانی و خدایت، من فقط می‌توانم نشانی‌هایش را به تو بدهم، آنچه‌تورا در راه ایمان ضعیف می‌کند، آنچه‌تورا در راه مسئولیت به تردید می‌افکند، آنچه دلبستگی‌اش نمی‌گذارد تا پیام حق را بشنوی و حقیقت را اعتراف کنی، آنچه‌تورا به توجیه و تاویل‌های مصلحت‌جویانه و... به فرار می‌کشاند و عشق به او کور و گرت می‌کشد و بالاخره آنچه برای از دست‌نداشتن، همه دستاوردهای ابراهیم‌وارت را از دست می‌دهی، او اسماعیل تو است! اسماعیل تو ممکن است یک شخص باشد یا یک شیء، یا حالت، یا یک وضع، یا حتی یک نقطه‌ضعف؛ تو خود آن را هر که هست و هر چه هست باید به منا آوری و برای قربانی انتخاب کنی!» با الهام از سخنان این روشنفکر دینی می‌توان نتایج زیبایی گرفت؛ از جمله اینکه آدمی در ایثار جان و مال در راه خدای یگانه به کمال می‌رسد، به این معنا که انسان، همه داشته‌ها و امکانات و مسند و موقعیت خویش را امانتی الهی بشمارد و آن را فقط در طریق بندگی و خدمت به خلق خدا هزینه کند. قربانی‌کردن، نمادی از قطع دلبستگی و وابستگی به این موقعیت‌هاست و جلیوه‌ای از ایثار مال و جان در راه محبوب واقعی و رضای خداوند است. حال اگر با نگاهی جهان‌بین به رویدادهای زندگی نگریسته شود، هر روز می‌تواند عیدی واقعی باشد. به این ترتیب، می‌توان کار هر تانبدانی را در هر گوشه از دنیا که از داشته‌ها و موقعیتش می‌گذرد، «ابراهیمی» خطاب کرد. ممکن است او مبارزی سیاه باشد که سال‌ها پس از زندان و فائق‌آمدن بر نژادپرستان، از «وضع» یا «حالت» خود عبور می‌کند یا پاپ عالی مقام کاتولیکی باشد که هنر قربانی‌کردن موقعیتش را می‌داند تا از شیرینی آن بگذرد و قماش را به دیگری واگذارد یا توانگری با ثروت هشتکف در بنگدینا باشد که بخش عمده دارایی‌اش را به محرومان و تهیدستان می‌بخشد و از تعلقات چرب و شیرین کنده می‌شود تا مقام انسانی‌اش تعالی یابد. این راهی است که بن‌بست نمی‌شناسد و برای «ابراهیمی‌شدن» یک سالک، هیچ رنگ و مرز و آیینی، او را محدود نمی‌کند. در قرآن کریم هم آمده است: «وقتی شما قربانی می‌کنید آنچه متعلق به خداست، تقوای شماست، نه گوشت و پوست قربانی»؛ بنابراین در قربانی‌کردن، واقعیت قضیه نهایت اخلاص، عشق و علاقه بنده به مولی خود است و در واقع قربانی‌کردن نمادی از قربانی‌کردن هواهای نفسانی و ذبح نفس اماره است. فرارسیدن این عید بزرگ بر همه سالکان راه مبارک باد.

ادامه از صفحه ۶

از ترکمانچای تا کنوانسیون جدید خزر

یکی از بندهای قرارداد که جلب توجه می‌کند، «کشتی‌هایی که در دریا‌های غیر از دریای خزر زیر پرچم یکی از طرفین متعاهدین سیر می‌نمایند، در آب‌های کشوری و بندرهای طرف متعاهد دیگر از جهت کشتی‌نایی و عوارض از همان حقوق و مزایایی که در این مورد به کشتی‌های دولت کامله‌الوداد اعطا می‌گردد، بهره‌مند می‌شود و طرفین موافقت دارند که در تمام دریای خزر کشتی‌هایی جز کشتی‌های متعلق به ایران یا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا متعلق به اتباع و بنگاه‌های بازرگانی و حمل‌ونقل کشوری یکی از طرفین متعاهدین که زیر پرچم ایران یا پرچم یکی از طرفین متعاهدین سیر می‌نماید نمی‌تواند وجود داشته باشد به این کشتی‌ها تصدیق‌نامه‌های کشتی که از طرف مقامات صالحه طرفین متعاهدین به کشتی‌هایی که زیر پرچم ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دریای خزر سیر می‌نمایند، داده می‌شود».

صرف نظر از مقررات فوق هر یک از طرفین متعاهدین راه‌مگیری را در آب‌های ساحلی خود تا حدود ۱۰ مایل دریایی به کشتی‌های خود اختصاص داده و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که واردات ماهی‌های صیدشده از طرف کارکنان کشتی‌هایی که زیر پرچم او سیر می‌کنند، از تحقیقات و مزایای معتبرمند کند. جالب است این قرارداد مدت داشته است. برابر ماده ۱۶ برای مدت سه سال منعقد شده و درباره فسخ قرارداد و ادامه آن نیز آمده است هرگاه یکی از طرفین شش ماه پیش از انقضای مدت سه سال مزبور فسخ قرارداد اعلام نکند، قرارداد خودبه‌خود برای مدت غیرمعینی تمدیدشده محسوب خواهد بود. در این صورت می‌توان قرارداد را در هر موقع با اخطار شش ماه قبل فسخ کرد. تاریخ انعقاد قرارداد پنجم فروردین سال ۱۳۱۹ مطابق با ۲۵ مارس ۱۹۴۰ با دو متن روسی و فارسی در تهران تنظیم شده است، معلوم می‌شود استالین از حضور آلمان‌ها در ایران و فعال‌پسری خط آهن سراسری ایران نگران بوده و با امضای این قرارداد که در بن‌بند آن نوعی همیاری و همراهی با ایران حس می‌شود، آن را تنظیم کرده است تا از شش جبهه ایران خیالش راحت باشد. از سال ۱۹۴۰ دیگر قرارداد درخور توجهی به درباری مازندران و نحوه استفاده از آن ن‌پردارد، بین ایران و شوروی و بعد از فروپاشی بین ایران و روسیه و سه کشور تازه‌استقلال‌یافته وجود ندارد و کنوانسیون‌هایی که در روزهای اخیر به امضای پنج رئیس‌جمهور رسید، آخرین تصمیم طرفین است که از نظر حقوقی مفاد قرارداد‌های قبلی را با توجه به تاریخ قرارداد لاحق ملغی کرده، مگر این‌که در متن کنوانسیون امشاشده، شرط دیگری لحاظ نباشد.